



محمد ظاهرشاه

دکترسید موسی صمیمی

22-07-08

نخستین سالگشت درگذشت ظاهرشاه، پادشاهی که از لحاظ تاریخی نقش مورد مناقشه ای داشته است

درست اول اسد 1386 خورشیدی، یک سال پیش در چنین روزی محمد ظاهرپادشاه برکنار شده ی افغانستان درگذشت.

محمد ظاهرشاه، آخرین پادشاه افغانستان که 40 سال بر افغانستان پادشاهی کرد، به عمر 92 سالگی پرورد حیات گفت.

محمد ظاهر، معروف به "ظاهرشاه" یکی از پادشاهان مورد مناقشه افغانستان بود که سیاستهای دوپهلوی وی سیمای افغانستان را برای هفتاد سال آزرگار به شدت تحت تأثیر قرار داده است. وی به مثابه یک پادشاه توانایی به کرسی نشاندن حرفها و سیاستهایش را نداشت. وی از تصمیم گیری سیاسی می ترسید و احتمال خطرات سیاسی را پذیرا نمی شد. نام وی با انکشافات متلاطم هفت دهه اخیر افغانستان پیوند تنگاتنگی دارد. در کنار ظاهرشاه کسانی بودند و افرادی حکومت می کردند که به نام وی سیاستهای مورد مناقشه و اقتدارطلبانه ای را اعمال می کردند و در فرجام کشور کوهپایه های هندوکش را به ورطه ی تباهی کشاندند. محمد ظاهر که در پانزدهم اکتوبر سال 1914 در شهر کابل تولد یافت، یک پشتون تبار محمد زایی از قبیله درانی بود که در حومه قندهار بود و باش داشتند و از قرن هژدهم بدینسو بر افغانستان حکومت می کردند.



به عمر 18 سالگی کفالت وزارت حربیه(وزارت جنگ) و چند ماه پستر کفالت وزارت معارف را عهده دار شد.

محمد ظاهر که در فرانسه آموزش دیده بود، پس از برگشتش به افغانستان به عمر 18 سالگی کفالت وزارت حریبه (وزارت جنگ) و چند ماه پستر کفالت وزارت معارف را عهده دار شد.

پس از قتل پدرش در هشتم ماه نومبر سال 1933 و ی به پادشاهی رسید به مثابه نخستین اجرائتش در مقام پادشاه افغانستان و ی حکم اعدام قاتل پدرش را که شانزده سال داشت امضا نمود. در دهه های پنجاه و شصت قرن گذشته هنگامی که تلاطمهای سیاسی در کشور، مستلزم اقدامات عملی شاه بود؛ و ی کوشید تا حاکمیتش را به مثابه " ظل الله فی الارض " - سایه ی خدا در زمین - در قانون اساسی جدید نیز به حیث " تولوak " (اختیار دار کل) مشروعیت بخشد. بدین ترتیب پادشاه می توانست در هر مسئله ای به تنهایی تصمیم بگیرد، بدون آنکه مسئولیتی متوجه و ی باشد. در سال 1964 لویه جرگه یا جرگه سنتی قبایل، قانون اساسی جدید افغانستان را تصویب نمود که بر مبنای آن افغانستان پادشاهی مشروطه خوانده شد.

شاه قانون احزاب را که برای نهادینه ساختن نظام دموکراتیک دارای اهمیت اساسی بود، هرگز توشیح نکرد. با اینهم احزابی به وجود آمدند. سیاستمدارانی که مورد قبول شاه نبودند، مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. جرایم انتقادی ممنوع قرار داده شدند و مسئولان آنها به دلایل واهی به زندان افکنده شدند. در سال 1973 هنگامی که ظاهر شاه در ایتالیا اقامت داشت با یک کودتای نظامی توسط محمد داود، شوهرخواهر و صدراعظمی که سالهای طولانی بر سر کار بود (1953-1963) از سلطنت کنار زده شد. از آن پس و ی رویدادهای سیاسی افغانستان را از تبعید در روم دنبال می کرد، اما تلاش جدی بی به خرج نمی داد تا در انکشافات اوضاع کشورش تاثیر بگذارد.



ظاهر شاه رویدادهای سیاسی افغانستان را از تبعید در روم دنبال می کرد، اما تلاش جدی بی به خرج نمی داد تا در انکشافات اوضاع کشورش تاثیر بگذارد.

پس از بیرون رفتن نیروهای اشغالگر شوروی از افغانستان در سال 1989 افغانستان آرام نگردید. این کشور باز هم در گرداب آشوبهای عمیق تری فرو رفت. در چنین اوضاعی ظاهر شاه پیشنهاد دعوت یک لویه جرگه را نمود. و ی همچنان گفت در چنین لویه جرگه ای شرکت خواهد نمود: " شرکت کنندگان این لویه جرگه عبارت خواهند بود از نمایندگان تنظیمهای جهادی، نمایندگان فرماندهان، دانشمندان مشهور افغان از درون و بیرون افغانستان، شخصیتهای سیاسی افغان و بزرگان اقوام از درون و بیرون افغانستان ". این لویه جرگه فوق العاده باید در مورد سرنوشت کشور تصمیم می گرفت. البته این پیشنهاد نه در افغانستان مورد حمایت قرار گرفت و نه کدام بازتاب مثبتی در سطح بین المللی داشت. پس از جنگ زیر فرماندهی ایالات متحده آمریکا علیه رژیم مستبد طالبان و متحد آن، شبکه هراس افکن القاعده در اکتوبر سال 2001، شاه پیشین به مثابه میانجی پا پیش نهاد.

حلقه مشاوران وي که به نام گروه روم ياد مي شدند، با سه گروه ديگر در توافقات بن سهم هنگفتي داشتند. به تاريخ هژدهم ماه اپريل سال 2002 محمد ظاهر دوباره به مٲابه يک " شهروند" به افغانستان برگشت. مطابق به توافقات پترزبرگ وي انصرافش را از مقام سلطنت اعلام نمود. در قانون اساسي سال 2004 افغانستان به وي لقب "باباي ملت" داده شد.



به تاريخ هژدهم ماه اپريل سال 2002 محمد ظاهر دوباره به مٲابه يک " شهروند" به افغانستان برگشت.

محبوبيت وسيع ادعايي وي هنگامي اغفال کننده به نظرمي رسد که همايون شاه آصفي برادرزن وي در انتخابات رياست جمهوري سال 2004 کمتر از يک درصد آرا را به دست آورد.

در کشور چندين قومي افغانستان، و در نظر اقليتهاي قومي همايون شاه آصفي نماينده محمد ظاهر پنداشته مي شود. آنها فراموش نکرده اند که در چهل سال دوره سلطنت وي (1933-1973) مورد تبعيض قرار داشته اند. بسياري از پشتونها نيز برگشت ظاهر شاه را در وجود برادرزنش همايون شاه آصفي بسيار مطلوب نمي پنداشتند و ديگر نمي خواستند يک سبک حکومت اقتدارگرا را بپذيرند. ستاد مشاوران پادشاه طبعاً پيوسته وي را يک چهره " آشتي دهنده" جلوه مي دادند، اما وي چنين جايگاهي را نيز نتوانست به دست آورد.